



فصلنامه علمی- پژوهشی اخلاق پژوهی

سال پنجم • شماره چهارم • زمستان ۱۴۰۱

Quarterly Journal of Moral Studies
Vol. 5, No. 4, Winter 2023



معیارهای فراگیر عدالت اجتماعی در قرآن کریم

هادی کمال عزت* | هادی صادقی**

doi: 10.22034/ethics.2023.50386.1554

چکیده

لزوم دستیابی و توافق بر قواعد عام در عدالت پژوهی که به مثابه قوانین اساسی در رفتارهای فردی و اجتماعی سامان بخش تدوین دیگر قوانین و ارزیابی وضع موجود باشد، همواره در کانون توجه اندیشمندان عدالت پژوه و فیلسوفان سیاسی بوده است. این پژوهش که با هدف کشف نظر قرآن کریم درباره این اصول و به روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر گزاره های مرتبط در قرآن کریم انجام شده است، استخراج یازده اصل است که اصل برابری اولیه، اصل محاسبه پیامدهای عمل و اصل شفافیت و توجه به میزان آگاهی به عنوان اصول مبنایی؛ اصل خود مسئولیتی، اصل تناسب وسع و تکلیف، اصل تناسب تلاش و پاداش، اصل توجه به نقش و تأثیر، اصل تناسب جرم و جزا و اصل تعلیق احساسات به عنوان اصول اجرا و اصل جبران به عنوان اصلی ترمیمی و تصحیحی، در تمامی مراحل دستیابی به عدالت اجتماعی عمل خواهند کرد. برخی از این اصول مانند اصل تعلیق احساسات و برابری را، با توجه به همراهی دیگر اصول، در تمامی مراحل، «اصول زمینه ای» نام داده ایم و در پایان الگویی با پوشش مطلوب موضوعات مختلف جهت محاسبه و اقدام عادلانه، طراحی و عرضه شده است.

کلیدواژه ها

عدالت اجتماعی، قرآن کریم، اصول عدالت، اخلاق، عدالت توزیعی.

* مدیر گروه اخلاق دانشگاه مجازی المصطفی، قم، ایران. (نویسنده مسئول) | dr.h.kamalezat@gmail.com

** استاد دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران. | sadeqi.hadi@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۶ □ تاریخ تألیف: ۱۴۰۱/۰۹/۰۳

■ کمال عزت، هادی؛ صادقی، هادی. (۱۴۰۱). معیارهای فراگیر عدالت اجتماعی در قرآن کریم. فصلنامه اخلاق پژوهی. ۵(۱۷)،

۵۶-۳۱. doi: 10.22034/ethics.2023.50386.1554

درآمد

اگر از اندک نظریه‌هایی که اساساً برای عدالت ارزش مستقلی قائل نیستند (هیوم، ۱۳۹۲، ص ۲۷-۳۰) و یا مباحثات در باب عدالت اجتماعی را بر نتابیده و آن را منافی ارزش‌های اساسی مانند آزادی دانسته‌اند بگذریم (میلر، ۱۳۸۶، ص ۹-۱۵)، باید گفت عدالت، در تفکر سیاسی معاصر، به عنوان جزء لاینفک اخلاق و رفاه دانسته شده است و بعضاً اصولی، با هدف دست‌یابی به آرمان زیست جمعی اخلاقی پیشنهاد شده و برای اثبات حجیت آنها مباحثی از جنس مباحثات فلسفه اخلاق سامان یافته است. برای نمونه، اصل مرکزی نظریه عدالت کانت، می‌گوید: «تنها بر طبق قانونی عمل کن که بر اساس آن تو در آن زمان بخواهی این قانون لزوماً قانونی عام برای همه افراد باشد» و اصول جزئی و عینی‌تر را اصول کاربرد می‌خواند که عبارتند از: قانون آزادی مدنی، قانون برابری حقوقی و قانون آزادی سیاسی (واعظی، ۱۳۸۸).

والزر نیز از جمله عدالت‌پژوهانی است که بر اساس دیدگاه خود درباره توجه به نوع خیر، اصول متعددی مانند اصل برابری میان شهروندان در نیازهای اولیه و اصل توزیع بر اساس احساسات و خویش‌شناسی را درباره مواهب خویشاوندی و عشق پیشنهاد می‌دهد (Walzer, 1983, p. 243). از نظر او، قدرت سیاسی نیز باید با تکیه بر اصل عقلانیت توزیع شود (Walzer, 1983, p. 304). همچنین والزر درباره ساحت «منصب اجتماعی» اصل صلاحیت را معیار توزیع عادلانه می‌داند (Walzer, 1983, p. 129) که بر اساس رقابت آزاد و فراگیر اتفاق می‌افتد (Walzer, 1983, p. 132). والزر به اعتبار نظریه عدالتش که آن را «عدالت به مثابه انصاف» می‌نامد و اصول آن بر وظیفه‌گرایی و نیز تعمیم‌گرایی استوار گردیده، دو اصل را بیان می‌کند: اصل اول: «هر شخصی باید از حقی برابر نسبت به گسترده‌ترین نظام کلی آزادی‌های اساسی که با نظام آزادی برای همه سازگار باشد، برخوردار شود». اصل دوم: «نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی باید به گونه‌ای تنظیم گردند که اولاً: بیشترین منفعت را به کم‌بهره‌ترین اشخاص برسانند و ثانیاً، مشاغل و مناصب تحت شرایط حاصله از برابری فرصت‌ها، به روی همه باز باشد (Rawls, 1993, p. 47). میلر اصول عدالت خود را سه اصل شایستگی، نیاز، و برابری می‌داند و این امر را به باور مردم درباره معیار عدالت، نیز نسبت می‌دهد (میلر، ۱۳۸۶، ص ۱۵۷).

در هر حال، این اصول عدالت یا معیارهای فراگیر به مثابه قوانین اساسی هستند که همه قوانین دیگر برای اثبات حجیتشان باید به نوعی نسبتشان را با آنها تعریف کنند. در واقع، این اصول که بر اساس استدلال‌ات عقلی و مباحثات فلسفی یا تجارب بشری در توزیع عادلانه توصیه



۳۲

فصلنامه علمی - پژوهشی اخلاق پژوهی | سال پنجم | شماره چهارم | زمستان ۱۴۰۱

می‌گردد، توجیه‌کننده دیگر پیشنهادات در عرصه‌های متنوع زیست جمعی ماست و پرداختن به آنها با توجه به گستره بی‌حد مفهوم بهره‌مندی و موضوعات آن، امری ناگزیر است تا مانند چتر بخش‌های زیادی از موضوعات را تحت پوشش خود قرار دهند. اصول و معیارهایی کلی که شرط ارزشمندی و دخالت دادن آنها بهره‌مندی از ویژگی‌های ذیل است:

۱. بر اساس واقعیت‌های پیرامون ما و البته، مبتنی بر فهم صحیح مسائل بنیادی، مانند نگاه ما به هستی و انسان و ارزش و سعادت واقعی بشر و ... باشد.

۲. این اصول عدالت باید بتواند ساختار نظم اجتماعی مطلوب و آرمانی را با در نظر گرفتن حقوق اساسی، فضایل، کمالات و کرامت بشری تنظیم کرده و افزون بر حقوقی مانند آزادی به دیگر حقوق و نیازمندی‌های بشر هم توجه کند؛ به تعبیر دیگر باید اصول پیش‌نهادی، به نظریه عدالت هم کارکرد اقناعی ببخشد و هم کارکرد آرمانی.^۱

۳. این اصول باید آنقدر مبنایی باشند که دایره نفوذ آن بر تمامی فرض‌ها قرار گیرد و تنها اختصاص به اجتماعی خاص نداشته باشد و در برابر سؤالات متنوع و دقت‌های فلسفی تاب آورده و به شکلی سازوار با مبنای مطرح در هر دیدگاه پیوند برقرار نماید (میلر، ۱۳۸۶، ص ۱۰).
در این پژوهش - با توجه به خلأ محسوس ناشی از عدم تبیین نظریه اسلامی در این باب - در پی یافتن این معیارها از قرآن کریم، به ویژه آیاتی که در آن بر نظام پاداش و جزا در روابط اجتماعی اشاره شده و ارائه فرمولی برای دستیابی به عدالت حداکثری در روابط اجتماعی هستیم.

عدالت اجتماعی

عدالت اجتماعی در معنای کهن، به همان معنای عدالت توزیعی است (میلر، ۱۳۸۶، ص ۲). در عدالت اجتماعی به دنبال یافتن تعریفی از دولت عادل و فضای عادلانه اداره اجتماع و ساز و کار پیدایی آن هستیم (سید باقری، ۱۳۹۳، ص ۴۳)؛ در حالی که بحث از عدالت فردی برای دریافت فهمی روشن از انسان عادل است.

افلاطون، اجتماع عادلانه را اجتماعی می‌داند که در آن هر کسی به کار مناسب با استعداد خود، بدون دخالت در کار دیگران می‌پردازد (افلاطون، ۱۳۵۷، ج ۲، ص ۱۰۱۸) و برخی چون

۱. برای مطالعه بیشتر در باب چشم‌اندازها در نظریه سیاسی، نک: نیگل، ۱۳۹۴، ص ۳۷-۴۰.

ایمانوئل کانت، عدالت اجتماعی را بر اساس توجه به اصل آزادی فردی، محدود کردن آزادی هر فرد به گونه‌ای که آزادی او با آزادی افراد دیگر هماهنگ شود، می‌دانند. از نظر علامه طباطبایی نیز عدالت اجتماعی آن است که با هر یک از افراد جامعه طوری رفتار شود که مستحق آن است و در جایی جای داده شود که سزاوار آن است و فرد فرد مکلفین مأمور به انجام آنند (علامه طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۳۳۳). ما تعریف علامه طباطبایی را از بهترین تعاریف و نکات ذیل را به عنوان ارکان تعریف علامه، قابل توجه می‌دانیم:

۱. در تعریف علامه طباطبایی، اشاره دقیقی به بحث استحقاق افراد و نیز سزاواری آنها شده و حقوق متنوعی را می‌توان در سایه این تعریف دید و به تلاش افراد و رشدی که ممکن است به واسطه سزاواری‌های جدید، در استحقاق بیابند، توجه شده است.
۲. به وظیفه‌مندی افراد در عدالت اجتماعی، به عنوان وظیفه‌ای بر پایه خداواری تأکید شده و با این نگاه، سطح عدالت اجتماعی بر اساس نگاه معمول را، به سطحی عالی از جهت انگیزه‌ها، ارتقاء و تعالی می‌بخشد.

اصول عدالت اجتماعی

مجموعه‌ای از معیارهای عام است که بر اساس استدلالات عقلی و مباحثات فلسفی یا تجارب بشری در توزیع عادلانه توصیه می‌گردد. مهم‌ترین عامل برای اصل گرفتن چیزی، قدرت پوشش‌دهی آن است و اگر اصلی دارای این ویژگی باشد، تأثیر خوبی بر پیش‌گیری از نسبی‌گرایی حاصل از تفکرات پساساختارگرایی و پسامدرنیسم، دارند. باید به این نکته نیز اشاره شود که هر اصلی می‌تواند نسبت به اصولی عام‌تر یا مبنایی‌تر نسبت به خود، جزئی به نظر برسد؛ مانند اصل سود در نظریه‌های سودگرا^۱ که تحت پوشش اصل نیکوکاری قرار گرفته و بر اساس آن توجیه می‌شود.

اصول عدالت اجتماعی در قرآن کریم

بحث را با پیش‌فرض گرفتن مختار بودن انسان و این که عقل ما می‌تواند در رابطه با حسن و قبح

1. utilitarianism

عدل و ظلم فارغ از نظر شارع درک داشته باشد، آغاز می‌کنیم؛ بدون این پیش‌فرض، قطعاً پی‌گیری ایجاد فضایی عادلانه و طراحی اصول آن هم ناممکن و کاری عبث خواهد بود.

آیات قرآن کریم در باب عدالت دوگونه‌اند: دسته اول، آیاتی که ناظر به عدالت در رابطه خداوند با بندگان و و بندگان با هم و امر به آن و نهی از ارتکاب ظلم هستند. دسته دوم، آیاتی که هر کدام بخشی از فرایند دستیابی به عدالت را مدّ نظر قرار داده‌اند که برخی معیار تدوین قوانین، برخی اصول لازم در اجرا و ارزیابی و قضاوت و برخی معیارهای لازم برای تصحیح و جبران را، پوشش می‌دهند (نک: مطهری، ۱۳۵۷، ص ۳۸). بر این اساس، مراجعه به آیات، اولاً، به معنای جست‌وجوی اصول حاکم بر رفتارهای عادلانه و ثانیاً، قواعدی فراگیر برای رفتار ما در جایگاه‌های مختلف اجتماعی خواهد بود.

۱. اصل توجه به میزان آگاهی افراد

قضاوت ما درباره عمل افراد و ارزش آن، تحت تأثیر اطلاع از میزان آگاهی آنها از آنچه انجام داده‌اند است و عقلاً توبیخ کسی که نسبت به وظیفه خود هیچ آگاهی نداشته و در پی‌گیری تکلیف خود کوتاهی نکرده است، جایز نیست و همین جاست که بحث نیت و انگیزه به میان آمده و پی‌گیری توجه به میزان اطلاع افراد از کارشان و نتایج آن، بار اخلاقی پیدا می‌کند.

اهمیت آگاهی‌بخشی در آموزه‌های قرآن کریم، به حدّی است که برخی مفسران از آن به عنوان سنّت خداوند متعال یاد کرده‌اند (علامه طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۵۷). در این رابطه در آیه ۱۵ سوره اسراء این چنین آمده است: «... و ما هرگز [قومی را] مجازات نخواهیم کرد، مگر آنکه پیامبری مبعوث کرده باشیم [تا وظایفشان را بیان کند]» (سوره اسراء، آیه ۱۵).

۲. اصل برابری اولیه

مقتضای اولیه عدالت آن است که با همه افراد مانند موجوداتی برابر برخورد شود و نمی‌توان تفاوت‌های نژادی، رنگ، جنسیت، احساسات و ... را، توجیهی برای تفاوت در بهره‌مندی افراد

۱. دیگر آیات مناسب با این اصل عبارتند از: سوره نساء، آیه ۹۸ و سوره مائده، آیه ۱۹ و سوره انعام: ۱۳۰ و ۱۳۱، سوره اعراف، آیه ۳۵ و سوره توبه، آیه ۶ و ۱۱۵ و سوره فاطر، آیه ۳۴ و سوره زمر، آیه ۷۱ و سوره نوح، آیه ۱.

دانست، اما سؤال اولیه آن است که آیا اساساً انسان‌ها دارای اشتراکات قابل توجه، به میزانی هستند که بتوان آنها را در حالتی برابر فرض کنیم و اگر پاسخ مثبت است آیا می‌توان این برابری اولیه را پایه‌ای برای مقدار بهره‌مندی‌های بعدی قرار بدهیم؟

در آموزه‌های اسلامی شواهد زیادی بر اعتقاد عملی به «اصل برابری اولیه» می‌توان یافت. نفی برتری‌های طبقاتی و قبیله‌ای و ایجاد اخوت میان مردم، مبارزه با برده‌داری و معیار بودن دارایی‌های مادی بخشی از آن است.

در آیات متعددی از قرآن کریم بر یکسانی انسان‌ها در خلقت اولیه و اینکه همگی از خاک و یک ریشه و نسل آدم (ع) هستند تأکید شده است. مانند: «خَلَقْنَاكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ» (سوره نساء، آیه ۱ و سوره اعراف، آیه ۱۸۹ و سوره زمر، آیه ۶)، «أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ» (سوره انعام، آیه ۹۸)، «خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى» (سوره حجر، آیه ۱۳) و «خَلَقَ مِنْ مَاءٍ دَافِقٍ» (سوره طارق، آیه ۶).^۱ در آیه بیست سوره روم نیز خداوند متعال می‌فرماید: «از نشانه‌های او این است که شما را از خاک آفرید، سپس بناگاه انسان‌هایی شدید و در روی زمین گسترش یافتید». در برخی آیات مانند آیه ۱۸ سوره مبارکه مائده^۲ نیز برتری ذاتی مورد ادعای یهود و نصارا نفی شده است (مدرسی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۳۳۹) و همه آنان را در دستگاه عدل الهی با دیگران برابر گرفته می‌فرماید:

یهود و نصاری گفتند: «ما، فرزندان خدا و دوستان (خاص) او هستیم» بگو: «پس چرا شما را در برابر گناهانتان مجازات می‌کند؟! بلکه شما هم بشری هستید از مخلوقات که آفریده

مفسران نیز برتری ذکر شده در قرآن کریم، میان انبیاء الهی بر یک‌دیگر را به واسطه تفاوت زحمات و سختی‌های رسالت و رنجی دانسته‌اند که در نتیجهٔ ابتلائات مختلف و نیز امکاناتی است که به آنها داده شده است (نک: طبرسی، بی‌تا، ج ۱۴، ص ۱۵۷ و مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۲۵۱؛ سید قطب، ۱۴۲۵، ج ۱ ص ۲۸۲).

در هر حال و به عنوان جمع‌بندی، با مراجعه به قرآن کریم، شواهد متعددی را می‌توان جهت اثبات «اصل برابری اولیه» یافت که می‌توان آنها را گونه‌های ذیل دسته‌بندی کرد:

۱. و نیز آیات سوره حج، آیه ۵ و سوره روم، آیه ۲۰.
۲. همچنین سوره فاطر، آیه ۱۱ و سوره غافر، آیه ۲۷.
۳. و همچنین سوره بقره، آیه ۱۱۳ و سوره توبه، آیه ۳۰.

۱. آیات اشاره‌کننده به خلقت برابر همه آدمیان از خاک، آب و رشد برابر جنینی آنان.
۲. آیات بیان اشاره‌کننده به اشتراک آدمیان در پدر و مادر و خطابات برابر قرآن کریم (یا بنی آدم).
۳. آیات اشاره‌کننده به معیارهای صحیح در ارزش‌گذاری و نفی برتری قومی و نژادی.
۴. آیاتی که انسان‌ها را با تعبیر ناس و مؤمنان را برادر، خوانده و شرایط برابری را پس از این تعبیر برای همه آنان متذکر شده و برتری قومیتی نفی شده است.

۳. اصل محاسبه پیامدهای عمل

«اصل محاسبه پیامدهای عمل» بیان‌کننده این نکته است که پیامدهای اعمال ما چه به نفع ما باشند و چه به ضرر ما، باید در سنجش ارزش اعمال، مورد توجه قرار گیرد. آیات مرتبط با این اصل، طیف گوناگونی را از بیان آثار دنیوی اعمال، حضور و مراقبت خداوند و فرشتگان بر افعال ما، آگاهی نفس هر کسی بر اعمال او تا مشاهده آثار آن در جهان آخرت را در بر می‌گیرد. آیات ذیل به پیامدهای عمل و مسئولیت انسان در برابر آن اشاره شده است (علامه طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۱۶۸).



۴۷

میارهای فراگیر عدالت اجتماعی در قرآن کریم

عَلِمْتُ نَفْسٌ مَا قَدَّمْتُ وَأَخَّرْتُ (سوره انفطار، آیه ۵)

يَتَّبِعُوا الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمُوا وَأَخَّرُوا (سوره قیامت، آیه ۱۳)

وَلَيَحْمِلُنَّ أَثْقَالَهُمْ وَأَثْقَالًا مَعَ أَثْقَالِهِمْ وَلَيَسْئَلُنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَمَّا كَانُوا يَفْعَلُونَ
(سوره عنکبوت، آیه ۱۳)

در قوانین جاری نیز، قانونگذار برای مواردی که آثار جرم بعدها منجر به خسارت‌های دیگری می‌گردد در موضوع ضمان اثر جنایت و تداخل و تعدد دیات (ماده ۵۳۸ تا ۵۴۰ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲)، مجازات‌ها و نیز موارد جبرانی را پیش‌بینی کرده که این امر نیز شاهد دیگری در توجه به اصل پیامد عمل به هنگام قانون‌گذاری است.

۴. اصل خودمسئولیتی

اصل محاسبه پیامدهای عمل، وقتی به کار می‌آید که مشخص شود بار مسئولیت اعمال بر عهده کیست؟ در برخی جوامع و در سال‌های نه چندان دور «جمعی بودن مسئولیت کیفری» که معنای آن تنبیه جمعی افراد مرتبط با فرد خاص هرچند در فعل او شریک نبوده‌اند، امری پذیرفته

شده بوده است (صانعی، ۱۳۷۱، ص ۴۶-۴۷).

نتیجه توجه به این اصل همان «لزوم بهره‌مندی افراد از عواقب خوب و بد اعمال خود» است که ما آن را «خودمسئولیتی» می‌نامیم و با توجه به تأکید بسیار قرآن کریم بر این امر و تأثیر بسیار بر همه حوزه‌های فردی و اجتماعی، آن را به منزله یک اصل از اصول عدالت بر می‌شماریم. این مطلب در سوره مبارکه اعراف آیه ۳۸ و آیات دیگری^۱ در برخورد با بهانه‌جویان خطاکار به روشنی وارد شده است:

گروه پیروان (بدکاران) دربارهٔ پیشوایان خود می‌گویند خداوند! اینها بودند که ما را گمراه ساختند پس کیفر آنها را از آتش دو برابر کن [کیفری برای گمراهیشان و کیفری به خاطر گمراه ساختن ما] خدا می‌گوید برای هر کدام [از شما] عذاب مضاعف است (سوره اعراف، آیه ۳۸).

در هر حال، «خودمسئولیتی» را به واسطه اطلاق در ارتباط با آنچه از خوب و بد، انجام شده، در ارتباط با افرادی که اعمال را انجام داده‌اند و نیز در ارتباط با میزان و کمیت اعمال و مصونیت خوبی که از تخصیص دارد، می‌توان اصل دانست.

توجه به این اصل، نقش مهمی در پیشگیری از جرم دارد. همچنین این اصل تأثیر مهمی را در نظام پاداش در روابط و عملکردهای اجتماعی و قضاوت دربارهٔ آنچه در یک محیط جمعی روی داده است و احکامی که پس از آن صادر می‌شود دارد. با تکیه بر این اصل محروم کردن یک فرد در اجتماع به خاطر خطای یکی از بستگان او هرچند دارای نسبت نزدیک باشد، محکوم بوده - و بر خلاف اخلاق اسلامی - ارزیابی می‌شود و به‌طور کلی، پس از پذیرش این اصل، باید برای تمامی مواردی که بر خلاف مفاد آن، فرد، افراد یا نهادی مسئولیت نتایج حاصل از عمل دیگری را بر عهده می‌گیرد، استدلال محکمه‌پسند آورده شود.

۵. اصل تناسب و وسع و تکلیف

اگر «وسع» یک نفر را همه امکانات مادی و معنوی بدانیم که در اختیار کسی قرار گرفته است، اصل

۱. سوره بقره، آیات ۱۸۱، ۲۰۱، ۲۸۱، ۲۸۴ و سوره آل عمران، آیه ۲۵ و سوره نساء: آیات ۹۷، ۱۱۱، ۱۱۲ و سوره مائده، آیه ۲۹ و سوره انعام، آیه ۱۲۹ و سوره اعراف، آیه ۳۸ و سوره یونس، آیه ۸ و سوره یوسف، آیه ۷۹ و سوره لقمان، آیه ۳۳ و سوره ابراهیم، آیه ۲۲.

تناسب و سع و تکلیف برای بهره‌مندی عادلانه افراد از مواهب گوناگون مادی و معنوی، بدین گونه ترسیم می‌گردد که: «تکلیف و مسئولیت افراد متناسب است با امکانات در اختیار آنها». یکی از روایاتی که نزد فقیهان و اصولیان اعتبار فراوانی دارد، حدیث معروف «رفع» است که به‌خوبی بر توجه به این اصل اشاره دارد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۴۶۳). در آیات قرآن کریم نیز به نفی تکلیف خارج از توان انسان، اشاره شده است.^۱ در این میان، آیه ذیل بر این امر تصریح دارد:

آنان که امکانات وسیعی دارند، باید از امکانات وسیع خود انفاق کنند و آنها که تنگدستند، از آنچه که خدا به آنها داده انفاق نمایند؛ خداوند هیچ کس را جز به مقدار توانایی که به او داده تکلیف نمی‌کند؛ خداوند بزودی بعد از سختی‌ها آسانی قرار می‌دهد (سوره طلاق، آیه ۷).

در جمع‌بندی مباحث در ارتباط با اصل «تناسب و سع و تکلیف» باید گفت به هنگام محاسبه حقوق و ارزش‌گذاری رفتارها، امکانات اولیه در اختیار افراد باید در معادله ما مورد توجه باشد.



۴۹

میدارهای فراگیر عدالت اجتماعی در قرآن کریم

۶. اصل تناسب تلاش و پاداش

اگر در کنار توجه به نتایج عمل، بخواهیم درباره فاعل عمل هم قضاوتی اخلاقی داشته باشیم، آن وقت میزان تلاش او به تنهایی یا به عنوان بخشی از معیار ارزش‌یابی، نقش خود را بازی خواهد کرد؛ مانند جایی که فردی را به خاطر به خطر انداختن جان خود جهت نجات جان یک انسان، حتی پس از عدم کسب موفقیت، مورد تقدیر قرار داده و او را فردی با رفتار ارزشمند می‌شماریم و راز اخلاقی شدن «اصل تناسب تلاش و پاداش» در همین جاست؛ جایی که به تلاش افراد در حصول نتایج به تنهایی یا به انضمام نتیجه، نمره می‌دهیم.

در واقع، اصل تناسب تلاش و پاداش، دستوری به شرح ذیل است: «در محاسبه پاداش افراد، لازم است در کنار توجه به نتایج، به میزان تلاش و سختی که آنان در راه انجام کار متحمل شده‌اند اعم از جسمی و روحی، توجه شود».

در ارتباط با آنچه گفته شد، شواهد بسیاری در قرآن کریم (سوره نساء، آیه ۹۵ و سوره انعام، آیه ۱۵۸) و

۱. آیاتی مانند سوره حج، آیه ۷۸ و سوره مائده، آیه ۶ و سوره بقره، آیه ۱۸۴، ۱۸۵ و سوره بقره، آیه ۲۸۶ و سوره بقره، آیه ۲۳۳ و سوره انعام، آیه ۱۵۲ و سوره اعراف، آیه ۴۲ و سوره مومنون، آیه ۶۲.

روایات وجود دارد که مؤیدی بر توجه ما به میزان تلاش افراد در لحظه محاسبه یا همان «اصل تناسب تلاش و پاداش» است. در این رابطه و در آیه ۳۹ و ۴۰ سورة شریفه نجم می خوانیم: «و اینکه برای انسان بهره ای جز سعی و کوشش او نیست و اینکه تلاش او بزودی دیده می شود» (سورة نجم: آیات ۳۹-۴۰) و نیز آیه ۱۴۲ آل عمران که به روشنی دریافت پاداش بهشت را نتیجه جهاد (تلاش جسمی) و صبر (تلاش روحی) می کند: «آیا چنین پنداشتید که (تنها با ادعای ایمان) وارد بهشت خواهید شد، در حالی که خداوند هنوز مجاهدان از شما و صابران را مشخص نساخته است» (سورة آل عمران، آیه ۱۴۲).

در آئین نامه مربوط به کارگر و کارفرما که به «قانون کار» معروف شده، به عامل سختی ناشی از محیط فیزیکی کار و زیان آور بودن آن، زمان کار و حتی جنسیت (مواد ۷۸، ۷۷، ۷۶، ۷۵ قانون کار) و سن کارگر (ماده ۸۲ قانون کار) در این رابطه توجه شده است. البته، لازم است افزون بر این موارد، به عنصر خطرناک بودن کار نیز توجه شود و در واقع، ما خطر و خطرپذیری را نیز عنصری مؤثر در محاسبه میزان تلاش افراد می دانیم. همچنین عادلانه آن است که به میزان مسئولیتی که بر دوش افراد گذاشته می شود به عنوان عنصری که در کنار تلاش، مجموعاً میزان استحقاق فرد را، رقم می زند توجه شود؛ چنانکه در برخی آیات به این امر تلویحاً اشاره شده است.

و اگر او [پیامبر (ص)] سخنی دروغ بر ما می بست. ما او را با قدرت می گرفتیم. سپس رگ قلبش را قطع می کردیم. پس احدی از شما نمی توانست مانع شود و از آن حمایت کند (سورة الحاقه، آیه ۴۶).

با این توضیح، پرداخت حق الزحمه بیشتر به مدیرانی که مسئولیت بیشتری را بر عهده گرفته اند، عادلانه است. البته، زحمات پیشین فرد در تحصیل یا تحمّل رنج های زیاد برای رسیدن به این مرتبه نیز می تواند توجیهی برای این تفاوت باشد.

۷. اصل توجه به نقش و میزان تأثیر عمل

در محاسبه پاداش افراد، باید به عمق و گستره تأثیرگذاری عمل نیز توجه شود. پس نمی توان به نقشی که فاعل فعل و البته، عمل او در آینده خواهد داشت بی توجه بود و نتایج پسینی فعل او را در نظر نگرفت. ما مفاد این دستور العمل را اصل «توجه به نقش و تأثیر عمل» می نامیم. با توجه به اصل «توجه به نقش و تأثیر» کاملاً موجه است که به افرادی به واسطه عمق تأثیر فعلشان، امتیازات

خاص داده شده و از آنان به شکی ویژه تقدیر شود (نک: آئین نامه اعطاء نشان های دولتی مصوب ۱۳۶۷).
 علت عذاب مضاعف مشرکین در آیه: «الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ زِدْنَاهُمْ عَذَابًا فَوْقَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يُفْسِدُونَ» (سوره نحل، آیه ۸۸) نیز آن است که آنان سبب راه خیر شده و فرصت هدایت را از بین برده اند (علامه طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۴۶۵).

همچنین در قرآن کریم به جایگاه های خاص اجتماعی افراد که موجب می گردد، شعاع عمل آنان از دایره فردی شان خارج شده و بر دیگران نیز تأثیر گذار باشد، اشاره شده است؛ مانند جایی که همسران پیامبر (ص) به واسطه شأن خاص اجتماعی شان مورد خطاب قرار گرفته اند که با توجه به نقش و تأثیر متفاوت آنان، نیکی یا بدی آنان پاداشی متفاوت با دیگر زنان خواهد داشت (سوره احزاب، آیه ۳۰-۳۲).

«لزوم توجه به نقش و تأثیر» به واسطه شمول خوب خود و مصونیتی که از تخصیص دارد، اصل گرفته می شود و البته، این اصل استثنایی بر اصول پیشین مانند اصل توجه به میزان تلاش یا خودمسئولیتی نیست و در عرض آنها در سنجش عمل افراد به کار گرفته می شود. به عنوان مثال، معیار نقش و میزان تأثیر در ارزش گذاری عمل ورزشکاری که در لحظه ای حساس در تاریخ کشور خود با کسب مدال، امید را به دل های مردم باز می گرداند و یا سیاستمداری که با تشخیص صحیح و سخنی به موقع، سایه تهدید سنگینی را از سر ملت خود دفع می کند، در کنار توجه به میزان تلاش او به عاملی برای برخورد عادلانه و منصفانه، شناخته می شود.

۸. اصل بی طرفی

جایگاه احساس در اجرای عدالت موضوع اصلی با نام «اصل بی طرفی» است که توصیه ای عام به «تعلیق احساسات» در لحظه عمل است. حیرت میان آنچه عادلانه است و آنچه ما بر اساس احساسات و نیازهایمان، در نظر گرفته ایم، نیاز ما را به وجود این اصل، آشکار می کند. اصل بی طرفی به ما می گوید که در همه حالات - از قانون گذاری و اجرا گرفته تا ارزیابی و حتی جبران - باید از دخالت دادن عنصر احساسات به نفع خود یا دیگران پرهیز کنیم. در واقع، این اصل را می توان شرط لازم و زمینه ای دانست که باید به همراه همه اصول مورد توجه قرار گیرد و عدم رعایت آن تمامی تلاش های ما را برای دستیابی به عدالت با ناکامی مواجه می کند. در آیه ۸ سوره مبارکه مائده بر این امر تصریح شده است که نباید احساس نفرت از دیگران، ما را از اتخاذ رفتار عادلانه دور کند.



ای کسانی که ایمان آورده‌اید، برای خدا به داد قیام کنید و استوار باشید [و] از روی عدالت گواهی دهید، دشمنی با جمعیتی شما را به گناه ترک عدالت نکشاند، عدالت کنید که به پرهیزکاری نزدیکتر است و از خدا پرهیزید که از آنچه انجام می‌دهید آگاه است (سوره مائده، آیه ۸).

در این ارتباط، در آیه ۲ سوره مبارکه نور اعمال هر گونه رأفت در ارتباط با مجازات مرتکبان زنا منع شده است و اجرای مجازات را نشانه اعتقاد به خداوند متعال و روز قیامت می‌داند.

زن و مرد زناکار هریک را صد تازیانه بزنید و هرگز در دین خدا رأفت (و محبت کاذب) شما را نگیرد اگر به خدا و روز جزا ایمان دارید و باید گروهی از مؤمنان مجازات آنها را مشاهده کنند (سوره نور، آیه ۲).

اصل بی‌طرفی به عنوان اصلی که شرط لازم در زمان به کارگیری تمامی اصول عدالت است، به ما می‌گوید که در تمامی مراحل دست‌یابی به عدالت باید از تأثیر دادن احساسات در تعیین سهم افراد از پاداش و مجازات مطلقاً پرهیز شود.

۹. اصل تأمین حداقل معیشت (لزوم تأمین نیازهای اولیه)

قبل از هر گونه سخنی باید روشن شود که حداقل‌ها چه چیزهایی هستند؟ آیا همان چیزهایی هستند که ما برای زنده ماندن به آنها نیاز داریم؟ آیا برای مفاهیمی مانند امنیت (بند ۱۴ اصل سوم قانون اساسی ایران) که از مهم‌ترین شاخصه‌های رفاه است می‌توان حداقلی فرض کرد؟ تقسیم بیت المال به صورت برابر میان افراد در گذشته و قرار دادن منابعی مانند زکات و صدقات و امثال آن و در عصر حاضر، تأسیس سازمان‌های حمایتی و تدوین قوانین برای بهره‌مند شدن کارمندان و کارگران از حداقل دستمزد روزانه (بند ۱۲ اصل سوم قانون اساسی ایران) و تحصیل رایگان در مقاطع تحصیلی ابتدایی و متوسطه (بند ۳ اصل سوم قانون اساسی ایران)، از دیگر ثمرات توجه به این اصل است و اما در قرآن کریم و در ارتباط با این اصل، آیات زیادی می‌توان یافت که آنان را می‌توان این‌گونه دسته‌بندی کرد:

۱. آیاتی که در آنها تأمین رزق موجودات از طرف خداوند تضمین شده است:

هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست، مگر اینکه روزی او بر خداست؛ او قرارگاه و محل نقل و انتقالش را می‌داند و همه اینها در کتاب آشکاری (لوح محفوظ علم خداوند) ثبت است (سوره هود، آیه ۶).

۲. آیاتی که به تأمین حداقل‌ها در نیاز افراد اشاره دارند. مانند آیه ذیل:

زکات، مخصوص فقراء و مساکین و کسانی است که بر [جمع‌آوری] آن کار می‌کنند و کسانی که برای جلب محبتشان اقدام می‌شود و برای [آزادی] بردگان و بدهکاران و در راه [تقویت آئین] خدا و واماندگان در راه. این یک فریضه [مهم] الهی است و خداوند دانا و حکیم است (سورة توبه، آیه ۶۰).

برخی از مفسران با توجه به استعمال کلمه «رزق» در برخی دعاها مانند «اللهم ارزقنی ... قلباً خاشعاً ... و لساناً ذاکراً و ...» آن را به معنای بخشش مستمر خداوند در امور مادی و معنوی دانسته‌اند (قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۵، ص ۲۸۳) که این نکته می‌تواند فهرست حداقل‌ها را به نفع امور معنوی و اخلاقی توسعه ببخشد و اما نیازهای اولیه و حداقل‌ها در قوانین بین المللی و ملی ایران همواره مورد توجه بوده است. به عنوان نمونه، در اصل سوم قانون اساسی ایران و در اصول پس از آن - مانند اصل ۲۲، ۲۱، ۲۰، ۱۲- و در مقدمه و بندهای ۲۴، ۲۲، ۱۷، ۹، ۸، ۴، ۳ اعلامیه حقوق بشر به نیازهای اولیه و آنچه همه انسان‌ها باید داشته باشند، اشاره شده است.

بنابراین، می‌توان اذعان کرد که همه افراد - بر پایه کرامت ذاتی آدمیان - حق دارند از مواهب اولیه‌ای که حیات فردی و اجتماعی به آن وابسته است، بهره‌مند شوند و اگر آنچه را برای دست یابی به عدالت پیش می‌نهیم از دست‌یابی به این هدف کوتاه مدّت عاجز است، راه توسعه و حرکت به عدالت اشتباه ترسیم شده است.

۱۰. اصل جبران

در الگوی کامل عدالت، جبران ظلم‌های پیشین، به عنوان یکی از مهم‌ترین بخش‌ها مورد توجه قرار داده می‌شود؛ هرچند با توجه به پیچیدگی روابط در زندگی جمعی، جبران کامل، با موانع بسیاری مانند سختی محاسبه میزان حق ضایع شده و تعیین سهم افراد و نهادها روبه‌روست. توجه به این نکته مهم است که نگاه به آخرت - به عنوان ظرف اصلی جبران - تمایز مهمی را میان اندیشه‌های الهی به‌ویژه اسلامی با دیگر تفکرات در حوزه عدالت پژوهی ایجاد می‌نماید.

در ارتباط با اصل جبران، آیات بسیاری را در قرآن کریم می‌توان یافت که با دیگر اصول مانند «اصل محاسبه پیامدهای عمل» و «اصل خودمستولیتی»، پیوند خورده است. راز این پیوند آن است که اگر برای افراد در قبال آنچه انجام داده‌اند مسئولیتی را قائل نبوده، یا به این نکته توجه



نداشته باشیم که اعمال ما دارای آثاری قابل پیگیری اند، بحث از جبران کاری بیهوده خواهد بود. با توجه به حجم آیات و اطلاقی که در توجه و اجرای آن در دنیا و آخرت در آیات وجود دارد و باور همگانی به لزوم توجه به محرومیت‌ها و آسیب‌ها، می‌توان لزوم جبران یا آنچه را ما آن را «اصل جبران» می‌دانیم پذیرفت.

در آیاتی از قرآن کریم متقابل به مثل، برای جبران مورد اشاره قرار گرفته است؛ مانند جایی که قصاص عضو در برابر همان عضو به عنوان جبران آمده (سوره مائده، آیه ۴۵) و نیز نفس در برابر نفس و حتی در بر خورد خداوند با گناهکاران در قیامت، متقابل به مثل به عنوان رفتاری عادلانه که اعتراضی بر آن نمی‌توان داشت آمده است (سوره اعراف، آیه ۵۱). البته، در جبران مالی و دیه نمی‌توان مثلیتی را برای تحقق برابری پیشنهاد داد. از این رو، قرار دادن مقدار مشخصی از مال در برابر جنایت - به صورت توافقی؛ نه با معیاری که ما به آن علم داشته باشیم - ممکن است انجام شود و در موضوعاتی مانند معاملات که گستره وسیعی از قراردادهای را در بر گرفته است، جبران با رضایت طرفینی اتفاق افتاده و البته، در همین موارد نیز - در صورت اختلاف بعدی - معیارهایی مانند پرداخت اجرة المثل، تنظیم‌کننده روابط خواهد بود. به عنوان مثال، در ارتباط با عقد ازدواج، اگر درباره میزان مهریه اختلافی باشد، در نهایت، مهر المثل، به عنوان جبران پیشنهاد می‌شود.

اصل جبران، در جایی که تنها بر اساس نتایج عمل، امتیاز می‌دهیم نقشی ندارد. به عنوان نمونه، می‌توان به مسابقات وزنه‌برداری اشاره کرد. در این حالت اگر برابری در شرایط برگزاری مسابقات و عدم استفاده افراد از مواد نیروزا وزن بدنی شرکت کنندگان و اصل بی‌طرفی در داوری، رعایت شود، دیگر توجهات تنها به نتیجه عمل خواهد بود و این که فرد در دوره‌های قبل مدال دریافت نکرده، یا با امکانات کمتری برای تمرین داشته، دیگر مورد توجه قرار نمی‌گیرد و نیز در مسابقات آزاد با توجه به پذیرش شرایط، حتی وزن افراد مهم و معیار نخواهد بود.

در ارتباط با پیوند این اصل با دیگر اصول هم باید توجه داشت که اولاً، جبران نیز مانند دیگر مسئولیت‌ها در ابتدا بر عهده فاعل فعل بوده و برای موارد استثناء حتماً باید دلیل کافی آورده شود و نیز نمی‌توان به جبران خطای یک نفر دیگر افراد و نزدیکان او را مورد عقاب قرار داد. ثانیاً، در این ارتباط میان افراد هیچ فرقی نیست؛ چه از ناحیه ظالم و چه از ناحیه مظلوم. ثالثاً، برای محاسبه حق دیگران و تعیین میزان لازم برای جبران، باید افزون بر در نظر گرفتن تلاش افراد به نقش آنان نیز توجه شود و البته، به این نکته توجه شود که تمامی این موارد، تنها پی‌گیری جبران در دنیا است و الا خداوند متعال نه تنها اعمال هر فرد را بلکه آثار آنها را نیز مورد حسابرسی قرار داده

و با نعمت‌های بهشتی و یا عذاب‌های اخروی، جبران مافات را خواهد کرد.

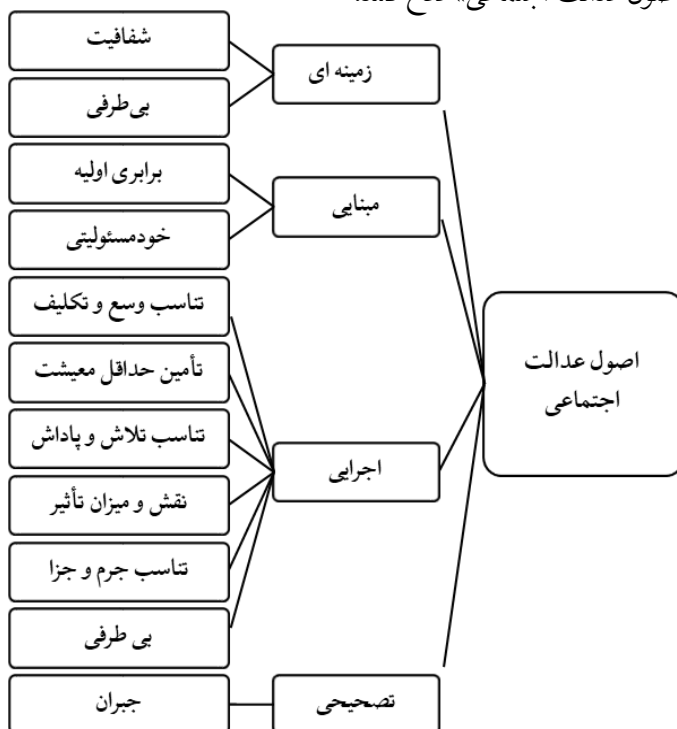
جمع‌بندی

بر اساس آیات قرآن کریم، ده اصل به عنوان اصول عدالت معرفی می‌شود که تأثیرگذاری آنها بر ساز و کار دست‌یابی به عدالت از مرحله احساس نیاز به عدالت تا احساس رضایت از آنچه انجام شده است. این اصول را می‌توان در دو گروه «نظری» و «عملی» یا «نظری» و «راهبردی» دسته‌بندی کرد. همچنین اصول نظری، خود به دو دسته «اصول مبنایی» و «اصول زمینه‌ای» قابل تقسیم‌اند. این اصول در بساری از موارد، مکمل هم بوده و میان آنان نقاط تماس بسیاری وجود دارد. لازم است بر این نکته تأکید دوباره شود که این اصول با تأثیرگذاری عمیق خود در همه مراحل دستیابی به عدالت و عمومیت خوبی که دارند، قادر خواهند بود از عنوان خود، به عنوان «اصول عدالت اجتماعی» دفاع کنند.



۴۵

میدارهای فراگیر عدالت اجتماعی در قرآن کریم



دسته‌بندی اصول عدالت اجتماعی

برای روشن شدن مسئله و شیوه کارکرد اصول عدالت به مثال ذیل توجه می‌کنیم:

مرکزی را در نظر می‌گیریم که تعدادی دانش‌پژوه - پس از گذراندن دوره ضرورت آموزش‌های اولیه که همگان از آن بدون تعیین معیار خاصی بهره‌مند بوده‌اند - در آن در حال تحصیل هستند و به آنان امکانات اولیه تحصیل داده شده و تا حد امکان و به میزانی که در اختیار دست‌اندرکاران آموزش عمومی است، فرصت برابر به همه آنها برای رشد استعدادها و بروز توانایی‌ها فراهم شده است و حال لازم است برای بهره‌مندی‌های بعدی مانند استفاده از بورس تحصیلی در سطوح بالاتر و یا ایجاد فرصت مطالعاتی و امثال این موارد، ابتدا سنجش و ارزیابی صورت گیرد و سپس بر اساس استحقاق هر فرد، امکاناتی به آنها داده شود. با توجه به این که این سطح از تحصیل و بهره‌مندی، دیگر تحت پوشش اصل لزوم تأمین حداقل معیشت نیست، می‌توان برای متقاضیان آن شرایط ویژه‌ای را در نظر گرفت، برای نمونه، سن خاص یا تسلط به زبانی غیر از زبان مادری و ... (نک: آئین نامه اعطای بورس تحصیلی واعزام دانشجویان به خارج از کشور، مصوب ۱۳۹۳).

در این حالت و پس از احراز شرایط عمومی مورد نظر، عموماً آزمونی برگزار می‌شود و افراد رتبه‌بندی شده و سپس امکانات بعدی در اختیار آنها قرار می‌گیرد. البته، با توجه به آنچه به عنوان اصول عدالت استخراج شد، در این حالت، مراحل ذیل بر اساس الگوی عدالت و پس از توجه به مباحث مبنایی پیشنهاد می‌شود:

۱. ارزیابی این امر که آیا واقعاً امکانات اولیه در اختیار افراد که بخشی از وسع هر یک از افراد را شکل می‌دهد، برابر بوده یا نه؟ این امکانات مجموعه‌ای، ابزارهای سخت (مانند نوشت افزار یا بهره‌مندی از اساتیدی با قابلیت‌های برابر و ...) و ابزارهای نرم (مانند میزان آگاهی آنان از آئین‌نامه‌های آموزشی و معیارهای امتیازدهی و ...) را در بر می‌گیرد.

۲. اگر پاسخ به سؤال اول - حتی به صورت نسبی - مثبت باشد، نوبت به آن می‌رسد که به میزان تلاش افراد هم توجه شود و به آن وزن داده شود. البته، چنانکه پیش از این تذکر داده شد، این امر مشروط به آن است که نگاه ما تنها به نتیجه معطوف نباشد و در غیر این صورت، میزان تلاش در ارزیابی و امتیازدهی لحاظ نمی‌گردد. پس اگر به فرض انجام یک آزمایش یا طراحی سازه خاصی با تحمّل مشخصی مدّ نظر بوده است (محصول محوری)، تنها به فردی که به این نتیجه رسیده پاداش داده می‌شود و نه به کسی که تلاش بیشتری داشته است و حتی در فرض اشتراک در نتیجه باز هم نمی‌توان به میزان تلاش، امتیازی اختصاص داد. به تعبیر دیگر،

در تعیین سزاواری محاسبه میزان تلاش جایی نداشته و تنها در اثبات شایستگی می‌تواند نقش داشته داشته باشد. در این مرحله، می‌توان معیارهای دیگری مانند نوآوری یا صرفه‌جویی انجام شده در تولید را برای انتخاب نفر برتر دخالت داد. در این لحظه، به عنوان مثال، عقد قرار داد تولید انبوه محصول با کسی که با هزینه کمتری محصول مشابه تولید کرده است، عادلانه و قابل دفاع خواهد بود و اما اگر پاسخ به سؤال اول در برابری وُسع منفی بود، ولی محصول یکی باشد، فردی که با وُسع کمتر به نتیجه رسیده، شایسته تقدیر خواهد بود.

۳. گام سوم در امتیازدهی، توجه به این امر است که آیا محصول تولید شده توسط هر دو نفر از میزان تأثیرگذاری برابری برخوردار است یا خیر؟ می‌توان شاخص نیاز اجتماع به آنچه تولید شده و یا تأثیر در بهبود شرایط و یا میزان تأثیر در نفعی که تولید آن محصول به عموم افراد می‌رساند را، برای وزن دهی مورد توجه قرار داد.



بر اساس آنچه گفته شد، می‌توان گفت پس از توجه به اصول مبنایی در عدالت، با لحاظ چهار اصل لزوم توجه به حداقل معیشت وُسع افراد، میزان تلاش آنها، و نقش و تأثیر عمل آنان برتری فردی اثبات شده و قضاوت ما در این باره قابل دفاع خواهد بود.

البته، فارغ از این بحث، «اصل جبران» می‌تواند سرمنشأ اختصاص برخی تخفیف‌ها در محیط‌های آموزشی یا لحاظ امتیاز برای مناطق دور افتاده در سهمیه اختصاصی جذب و در راستای ایجاد نوعی برابری در لاقط در بهره‌مندی از فرصت‌های بعدی باشد. لزوم شفاف‌سازی آئین‌نامه‌ها و اطلاع‌رسانی به دانشجویان و ایجاد زمینه‌های لازم دسترسی و کسب آگاهی به عنوان یکی از موضوعاتی که در تعیین میزان وُسع افراد و آنچه در ارزیابی نهایی عملکرد آنها مؤثر است، نیز در راستای توجه به برابری و ایجاد فرصت عمل یکسان، اصل شفافیت و لزوم آگاهی بخشی و نیز اصل توجه به میزان وُسع افراد الزامی می‌گردد.

فرمول عدالت

در اولین گام، برای تسهیل در دستیابی به یک الگو با پوشش عام در موضوعات مختلف برای آنچه در محاسبه به کار گرفته شده و مورد توجه قرار داده می‌شود، نامی اختصاری تعیین می‌کنیم. سپس برای اصولی که در لحظه عمل به کار می‌آیند، فرمول اولیه را پیشنهاد می‌دهیم. در گام بعدی - بر اساس جدول نسبت ریاضی - با ترکیب فرمول‌های ساده اولیه، سعی خواهیم کرد به

یک فرمول جامع در دخالت دادن هر یک از عناصر مؤثر برسیم. در گام آخر نیز نمونه‌هایی را جهت سنجش کارایی الگو در جدول آن قرار خواهیم داد.

گام اول: تعیین نام اختصاری مؤلفه‌های درگیر در فرمول عدالت

ردیف	عنوان	نام اختصاری	ردیف	عنوان	نام اختصاری
۱	جزا (پاداش - مجازات)	ج	۷	فعل (نیک و بد)	ف
۲	وسع	و	۸	بهره‌مندی	ب
۳	تکلیف و مسئولیت	ک	۹	حداقل بهره‌مندی	ح
۴	محرومیت	م	۱۰	تلاش	ت
۵	پیامد (غیر قابل محاسبه)	پ	۱۱	مسئولیت	مس
۶	عواقب (قابل محاسبه)	ع			

گام دوم: طراحی فرمول مربوط به هر اصل

در آغاز طراحی فرمول مربوط به هر اصل، باید این نکته دوباره تذکر داده شود که برخی از اصول زمینه‌ای مانند «اصل بی طرفی»، در همه جا به همراه اصول هستند. بنابراین، ما اصل بی طرفی را در دو طرف همه معادلات در تقدیر گرفته و در معادله نهایی به گونه‌ای می‌آوریم که ضمن توجه به حضور احساسات، چیزی کم یا زیاد نگیرد. برای این کار، هم احساسات ما نسبت به فاعل «a» و هم احساسات نسبت به هر فاعل دیگری «n» را جمع کرده و در دو طرف معادله ضرب می‌کنیم تا از این طریق تعلیق همه احساسات حاصل شود. برای آنچه گفته شد می‌توان معادله ذیل را ذکر کرد؛ که (...) در آن نماد هر شرایطی در فرمول بعدی است.

$$(...) (اح + a) = (...) (اح + n)$$

بر این اساس، ما در لحظه عمل حقی برای دخالت دادن احساساتمان نداشته و در آن لحظه حتی اگر آنچه انجام می‌دهیم بر خلاف میل ما باشد، باز عملی را که صحیح و عادلانه است انجام می‌دهیم.

۱. فرمول اصل برابری اولیه

این اصل بدین معناست که در حالت اولیه که هنوز افراد دست به کاری نزده‌اند و بدون لحاظ امتیازات ویژه هر کس یا دخالت احساسات، هر فرد به مثابه فردی برابر با دیگر افراد دانسته می‌شود. بر این اساس:

$$a = n \text{ ج}$$

این اصل، پایه اصول بعدی خواهد بود و هر یک از اصول بعدی می‌تواند تخصیصی بر بخشی از نتایج این اصل باشد. بدین خاطر در ترسیم فرمول این اصل و با توجه به آن‌که ثمره نگاه برابر آن است که می‌خواهیم برای اعطاء جزای برابر، توجیهی بیابیم، جزای فرد «a» را در حالت اولیه برابر با جزای «n» (هر فردی) قرارداده‌ایم.

۲. فرمول اصل تأمین حداقل معیشت

$$a = n \text{ ح}$$

این اصل، بیان‌گر آن بود که در حداقل‌هایی که فهرست آن قبلاً ذکر گردید، باید سهمی برابر را برای همه در نظر گرفت و فراتر از این مقدار را، بر اساس دیگر اصول و توجه به دیگر عناصر دخیل در ارزشگذاری عمل افراد، اختصاص خواهیم داد. در نتیجه و بر اساس فرمول، حداقل معیشت «a»، با حداقل معیشت «n» برابر خواهد بود. این اصل را پس از «اصل برابری» آوردیم تا اشاره‌ای باشد به این که نگاه ما به حالت اولیه و برابری موجود در آن، دلیلی است بر اصل تأمین حداقل معیشت.

۳. فرمول اصل محاسبه پیامدهای عمل (توجه به نقش و تأثیر اعمال)

بر اساس اصل محاسبه پیامدها (آثار قابل محاسبه) به ما می‌گوید که پیامد عمل ما همواره، هم‌ارز و متناسب با فعل ما خواهد بود. پس فرمول ذیل را برای این اصل پیشنهاد می‌کنیم:

$$a \text{ ف} + a \text{ پ ف} = a \text{ ج ف}$$

بر همین اساس اگر بخواهیم تناسب عمل و پیامد «a» را با فرد دیگری مقایسه کنیم، معادله ذیل ترسیم می‌گردد:



$$\frac{a^{\text{ج ف}}}{n^{\text{ج ف}}} = \frac{(a^{\text{ع ف}} + a^{\text{پ ف}})}{(n^{\text{ع ف}} + n^{\text{پ ف}})}$$

در نتیجه، برای به دست آوردن جزای فعل «a» - در مقایسه با هر فرد دیگر - فرمول ذیل به کار گرفته می شود:

$$a^{\text{ج ف}} = \frac{(a^{\text{ع ف}} + a^{\text{پ ف}}) \times n^{\text{ج ف}}}{(n^{\text{ع ف}} + n^{\text{پ ف}})}$$

در هر حال، فرض بر آن است که همواره ارزش گذاری عمل فرد «a»، باید متناسب با ارزش گذاری عمل «n» باشد. منتهی در این جا، عمل «a» متفاوت است با عمل «n»، یعنی «a» می تواند نگهبان ساختمان‌های متوالی، باید در محل نگهبانی، به کار خود اشتغال داشته باشد و حقوقی را در مقابل این عمل دریافت می کند. فرد دیگر، جراحی است که عمل جراحی را در طول یک ساعت به پایان رسانده و او نیز مبلغی را برای عمل انجام شده خود دریافت می نماید و این به خاطر توجه کامل به پیامد عمل هر یک از این دو نفر و دقت در نقش و تأثیر آن است و با توجه به فرمول بالا، اگر چه جراح وقت کمی گذاشته و یا در کل و به ظاهر تلاش کمتری کرده است، اما وزن عمل او یا مسئولیت خطیری که در نجات جان یک انسان بر دوش گرفته و مجازاتی که در صورت خطا در انتظار اوست، جبران کننده متغیر زمان خواهد بود و با توجه به نکته پیش گفته می توان برای تناسب میزان مسئولیت و جزایی که برای افراد در نظر گرفته می شود، فرمول ذیل را در نظر گرفت:

$$a_{\text{ج}} \equiv a_{\text{مس}}$$

یعنی جزای «a» متناسب است با میزان مسئولیت «a»

۴. فرمول اصل تناسب و وسع و تکلیف

اصل تناسب و وسع و تکلیف، به ما یادآوری و الزام می کرد که باید در محاسبه و قضاوت راجع به عمل افراد و انجام توزیع بر اساس آن، افزون بر نتیجه، به امکانات اولیه مادی و معنوی در اختیار



۵۰

افراد توجه شود. فرمول ذیل بیانگر توجه به این اصل است.

$$a^k \equiv a^j$$

در نتیجه، برای تعیین تکلیف عادلانه فرد «a» در مقایسه با هر فردی - کافی است روش زیر به کار گرفته شود:

$$\frac{a^k}{a^j} = \frac{n^k}{n^j}$$

در نتیجه، در پاسخ به این پرسش که در وضع عادلانه اگر فرد «a» بخواهد تکلیف «n» را به دوش بگیرد، چه مقدار از امکانات و وسع باید در اختیار او قرار داده شود؟ از فرمول ذیل می توان بهره برد:

$$a^k = \frac{a^j \times n^k}{n^j}$$

۵. فرمول اصل تناسب تلاش و جزا

توجه به هم ارزی تلاش افراد و جزایی که برای آنان در نظر می گیریم، ما را به فرمول ذیل می رساند:

$$a^c \equiv a^t$$

حال، اگر او فعل دیگری مرتکب شود که باری سنگین تر در خیر یا شر داشته باشد، می بایست برای حفظ این هم ارزی، در طرف دیگر نیز، جزا افزایش یابد؛ و در نتیجه، مقایسه فرد «a» با هر فرد دیگری در این اصل معادله ذیل را در پی خواهد داشت:

$$\frac{a^c}{a^t} = \frac{n^c}{n^t}$$

حال، برای به دست آوردن جزای «a» در هر عملی - در مقایسه با دیگر افراد - باید فرمول ذیل را پیاده کنیم:

$$a^c = \frac{a^t \times n^c}{n^t}$$



و نیز فرمول

$$n^{\text{ج}} = \frac{n^{\text{ت}} \times a^{\text{ج}}}{a^{\text{ت}}}$$

یعنی جزای فرد «n» برابر است با تلاش «n» ضرب در جزای «a»، تقسیم بر تلاش «a». پس اگر به «a» به خاطر فعلی با امتیاز ۱۰، ۵ واحد جزا داده شده باشد، برای فرد «b» یا هر فرد دیگری با فعل ۵۰، باید بر اساس فرمول ذیل ۲۵ واحد جزا داده شود و تنها در این صورت است که در عین اختلاف، میزان جزای داده شده - با لحاظ فعل و تلاش افراد - به عدالت رفتار شده است.

$$n^{\text{ج}} = \frac{5 \times 50}{10} = 25$$

۶. فرمول اصل جبران

فرمول اصل جبران را به شرح ذیل دانست:

$$a^{\text{ج}} \equiv a^{\text{م}}$$



۵۲

یعنی آنچه باید در مرحله جبران به «a» داده شود، با محرومیت‌های او هم‌ارز است. روشن است که در این معادله، محرومیت‌ها به‌عنوان گزینه‌ای با بار منفی، در نظر گرفته می‌شوند که هر چه عدد مربوط به آنها بیشتر باشد، آنچه باید به جبران به فرد داده شود، افزایش می‌یابد. از این‌رو، مراحل ذیل در استخراج فرمول جبران طی می‌گردد:

$$\text{ب } a - \text{استحقاق} = \text{ج } a$$

در نتیجه، جبرانی که باید برای فرد «a» انجام شود، برابر است با استحقاق او که در واقع، سهم خود فرد در محرومیت‌ها در آن مورد توجه است، منهای بهره‌هایی که تا به حال داشته که البته، این بهره‌ها مجموعه‌ای از حداقل‌ها و همه آن چیزی است که متناسب با استحقاقش در برخی موارد دریافت کرده است.

۷. فرمول پایانی

واقعیت آن است که توقع‌مان را در طراحی الگو نیز باید به مانند آنچه پیش از این درباره اصول

بیان شد، تنها به هدف دستیابی به حداکثر عدالت و نه عدالت تام و تمام، پایین بیاوریم. با توجه به آنچه گفته آمد، فرمول ذیل که عناصر و فرمول‌های پیش گفته در آن نقش بازی خواهند کرد برای توزیع عادلانه پیشنهاد می‌شود.

$$\frac{a^j}{p_a + e_a} - (p_a + m_a) + c_a = \frac{j^n}{p_n + e_n} - (p_n + m_n) + c_n$$

واضح است که بر اساس این فرمول، اگر جمعی در انجام فعلی مشارکت داشته باشند، به هر میزان که باشد، می‌توان به شکل ذیل برای آنان عمل کرد.

$$\frac{j(a+b+\dots)}{p(a+b+\dots) + e(a+b+\dots)} - (p(a+b+\dots) + m(a+b+\dots)) + c(a+b+\dots) = \frac{j^n}{p_n + e_n} - (p_n + m_n) + c_n$$



۵۳

این فرمول، به ما می‌گوید: اگر جزای فرد «a» را بر نتایج عمل او که خود جمعی است از نتایج قابل محاسبه (پیامد) و غیر قابل محاسبه (عواقب)، تقسیم کنیم، سپس از این مقدار نتیجه جمع بهره‌مندی‌ها و محرومیت‌ها را - که در واقع، در فرمول به عنوان گزاره دارای بار منفی ریاضی عمل می‌کند - کسر نماییم و سپس نتیجه حاصله را با میزان بهره‌مندی او از حداقل‌ها جمع کنیم، برابر خواهد شد با همین میزان از هر فرد مفروض «n».

بر اساس فرمول ارائه شده، تنها در صورتی می‌توان به «a» و «n» جزایی برابر داد که در همه بخش‌های دیگر آنها شرایطی یکسان داشته باشند و عدم برابری در هر مورد باید با افزایش یا کاهش در بخشی دیگر جبران شود. به عنوان نمونه، اگر پیامد عمل «a» بیشتر از پیامد عمل فرد «n» باشد، تنها در صورتی دو طرف معادله به برابری خواهد رسید که عاقبت عمل «n» به همان نسبت، بیشتر از عمل «a» باشد و نیز اگر محرومیت «n» بیشتر از محرومیت «a» باشد، با توجه به امتیاز منفی محرومیت، نتیجه جمع داخل پراتر در سمت راست معادله، کم شده و اگر در دیگر گزاره‌ها برابری باشد، تنها با افزایش جزای «n» می‌توان جبران مافات کرده و برابری دو طرف معادله را حفظ کرد؛ مانند جایی که مادری به واسطه نگهداری از فرزندان، امکان کمتری برای

بروز و ظهور توانایی‌های اجتماعی و بهره‌مندی از مواهب ناشی از آن دارد و در این حالت، اگر او در حداقل‌های معیشتی و دیگر گزاره‌ها، با هر فرد دیگری که ممکن است هم‌جنس با او یا از مردان باشد، برابر باشد، تنها با افزایش جزای او می‌توان گفت که عدالت رعایت شده است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مطالعه نظریه‌های پیشینان در باب عدالت اجتماعی و اصول آن، افزون بر اثبات غلبه نظریه امکان طراحی این قواعد عام فراگیر، جایگاه و اهمیت پی‌گیری دست‌یابی به این اصول را نمایان ساخت. با توجه به آنچه در فضای عدالت‌پژوهی در غرب مطرح شد، عموم نظریه‌ها در این باب در ایجاد ساز و کاری برای استقرار عدالت مبتنی بر قرار داد و رضایت جمعی صورت‌بندی شده بود. جغرافیای محدود در نظریه‌ها و بی‌توجهی به عدالت جهانی، اندیشیدن در عدالت تنها برای رسیدن به توزیعی رضایت‌بخش، بدون توجه به مبانی الهیاتی در ارزشمندی عدالت و ساز و کار دست‌یابی به آن، نبود دستورالعمل‌های اجرایی و اکتفا به بیان کلیات در برخی از نظریات، بی‌توجهی به اخلاق به عنوان پایه اساسی در پی‌گیری استقرار عدالت در تمامی لحظات و به تبع آن بی‌توجهی به انگیزه‌های برخاسته از وجدان اخلاقی، از نقاط قابل نقد در این نظریه‌ها بود. البته، در این میان برخی نظریه‌ها مانند آنچه از رالز یا میلر نقل شد، با الگوی عدالتی که بر اساس آموزه‌های اسلامی پیشنهاد شد، در مواردی قابل تطبیق است. همچنین بی‌توجهی به اصل جبران و عدم حضور نظریه‌پردازی و تعیین وظایف خاص دولت و حاکمان، در صحنه‌های اجتماعی عدالت‌خواهانه، از مواردی است که امتیاز نظریه عدالت اسلامی را به سبب توجه به همه این موارد، بر دیگر نظریه‌ها آشکار می‌کند. خلاصه حضور نظریه عدالت اجتماعی اسلام - بر پایه اصولی که ریشه در آموزه‌های وحیانی و تراث عظیم اسلامی در موضوع عدالت فردی و اجتماعی و ابعاد گسترده آن، داشته باشد - ما را بر آن داشت تا در اولین گام در راه دست‌یابی به نظریه جامع عدالت اجتماعی اسلام، سعی در استخراج اصول حاکم در عدالت اجتماعی داشته و آیات قرآن کریم را بر اساس تفاسیر شیعی و اهل سنت مورد توجه قرار دهیم.

حاصل این پژوهش، استخراج ده اصل از آیات قرآن کریم بود که اصل برابری اولیه، اصل محاسبه پیامدهای عمل و اصل بی‌طرفی و توجه به میزان آگاهی به عنوان اصول مبنایی، اصل خودمسئولیتی، اصل تناسب و وسع و تکلیف، اصل تناسب تلاش و پاداش، اصل توجه به نقش و

تأثیر، اصل تناسب جُرم و جزا و اصل تعلیق احساسات، به عنوان اصول اجرا و اصل جبران به عنوان اصلی درمانی و تصحیحی، در تمامی مراحل دستیابی به عدالت اجتماعی بر اساس «نظریه عدالت اسلامی» عمل خواهند کرد. همچنین برخی از این اصول مانند اصل تعلیق احساسات و برابری را با توجه به همراهی دیگر اصول، در تمامی مراحل، «اصول زمینه‌ای» نام نهادیم. حاصل توجه به این اصول، فرمول ذیل است که در آن افزون بر تعیین ساز و کار مورد نیاز در ارتباط با یک فرد، راه حل توزیع یا ارزشگذاری عادلانه در مقایسه میان افراد متعدد نیز دیده شده است. این معادله به ظاهر ساده در زمان اجرا تعدا پرشماری از عناصر توزیع را سامان خواهد بخشید. معادله پایانی به شرح ذیل است.

$$\frac{a}{a + \frac{a}{n}} - (a + m) + a = \frac{n}{n + \frac{n}{n}} - (n + m) + n$$



فهرست منابع

* قرآن کریم.

افلاطون. (۱۳۵۷). دوره آثار. (ترجمه: محمد حسن لطفی و رضا کاویانی). تهران: انتشارات خوارزمی.

آیین‌نامه اعطاء نشان‌های دولتی، مصوب ۱۳۶۷.

آیین‌نامه اعطای بورس تحصیلی و اعزام دانشجویان به خارج از کشور. مصوب ۱۳۹۳.

سید باقری، سید کاظم. (۱۳۹۳). عدالت سیاسی. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

صانعی، پرویز. (۱۳۷۱). حقوق جزای عمومی. تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش.

طباطبایی. سید محمد حسین (علامه طباطبایی). (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن کریم. (چاپ پنجم، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۵۷). تفسیر جوامع الجامع. دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

قانون کار. مصوب ۲۹ آبان ۱۳۶۹.

قانون مجازات اسلامی. مصوّب ۱۳۹۲ (ماده ۵۳۸ تا ۵۴۰).

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

قرائتی، محسن. (۱۳۸۳). تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درسهای از قرآن کریم.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷). الکافی. (چاپ چهارم). تهران: انتشارات الإسلامية.

مدرسی، محمدتقی. (۱۴۱۹ ق). من هدی القرآن کریم. تهران: دار محبی الحسین.

مطهری، مرتضی. (۱۳۵۷). عدل الهی. (چاپ دهم). قم: انتشارات صدرا.

میلر، دیوید. (۱۳۸۶). اصول عدالت اجتماعی. (ترجمه: رضا علی نوروزی). تهران: مؤسسه فرهنگی سماء.

نیگل. تامس. (۱۳۹۴). برابری و جانبداری. (ترجمه: جواد حیدری). تهران: نشر نگاه معاصر.

واعظی. احمد. (۱۳۸۸). نقد و بررسی نظریه‌های عدالت. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی

امام خمینی (ره).

هیوم، دیوید. (۱۳۹۲). کاوش در مبانی اخلاق (جستاری در باب اصول اخلاق). (ترجمه: مرتضی

مردیها). تهران: انتشارات مینوی خرد.



Rawls, J. (1993). *Collected Papers*: (S. Freeman, Ed.). Harvard University Press.

Walzer, M. (1983). *Spheres Of Justice*. Basic Books.